

مران مرگ

۱۹۹۰ میلادی به بوسنی سفر می کردند
و می توانند به غیرنظامیان گرفتار در محاصره شلیک کنند

▼ باز ماندگان سارایوو چه می گویند؟

جمیل هودزیچ، ۴۲ ساله، بنیان گذار پروژه «عکس کوچه تک‌تیرانداز» است که عکس‌های دوران محاصره را آرشیو می‌کند. او که در دهه ۱۹۹۰ در سارایوو بزرگ شده و هنگام آغاز محاصره ۹ ساله بود، در گفت‌وگویی با شبکه خبری الجزیره گفت که این افشاگری‌ها برایش غافلگیرکننده نبوده است، زیرا در آن زمان، آخر هفته‌ها در سارایوو «خطرناک‌تر از همیشه» بودند. در طول سال‌های محاصره، خیابان اصلی ورودی سارایوو، بلوار مشا سلیمویچ، به «کوچه تک‌تیرانداز» معروف شد. عبور از آن، که مسیر اصلی رسیدن به فرودگاه بود، بسیار خطرناک بود و همه‌جا علامت‌ها هشداردهنده حضور تک‌تیرانداز دیده می‌شد. شاید معروف‌ترین قربانیان این تک‌تیراندازی‌ها، بوشکوریچ و آدمیره اسمیچ بودند؛ زوجی که سرگذشت‌شان در مستند «رومئو و ژولیت در سارایوو» روایت شد. آن‌ها در سال ۱۹۹۲ هنگام عبور از یک پل هدف گلوله قرار گرفتند و اجسادشان برای چندین روز در «منطقه حائل» میان مواضع نیروهای بوسنی و صرب باقی ماند. عکس‌های این زوج به نمادی از خشونت کور و غیرانسانی جنگ تبدیل شد. هودزیچ گفت، در آن زمان همیشه «شایعاتی در جریان بود مبنی بر اینکه آخر هفته‌ها افرادی از بیرون شهر می‌آیند تا به ما شلیک کنند.» او اضافه کرد: «این یک واقعیت است، اما متأسفانه، وقتی قاتلان و تک‌تیراندازانی که چهار سال به ما شلیک می‌کردند هنوز آزاد می‌گردند و می‌بینیم که دادستانی بوسنی هیچ کاری در این مورد انجام نمی‌دهد، افشای این واقعیت فایده چندانی ندارد. من فقط امیدوارم که این پرونده ایتالیا به سادگی از فضای رسانه‌ای محو نشود و ما واقعاً شاهد نتایج مثبتی باشیم.»

او افزود: «برادر من زمانی که در محله‌مان در حال بازی تنیس بود، توسط یک تک‌تیرانداز صرب کشته شد. ما هرگز نخواهیم فهمید که آیا قاتل او یکی از کسانی بوده که برای انجام این کار پول پرداخت کرده بودند یا خیر.»

▼ آیا افرادی از کشورهای دیگر نیز شرکت داشتند؟

گمان می‌رود شهروندانی از چندین کشور دیگر نیز در این «سafari‌ها» مشارکت داشته‌اند. در سال ۲۰۲۲، مستندی به نام «سafari سارایوو» ساخته میران زوپانیچ، کارگردان بوسنیایی، به تحقیق درباره خارج‌های ثروتمندی پرداخت که در این اقدامات دست داشتند، از جمله افرادی از ایالات متحده و روسیه. یک نمونه قابل توجه، ادوارد لیمونوف، نویسنده و سیاستمدار ملی‌گرای روس بود. در سال ۱۹۹۲، در جریان ساخت مستندی درباره جنگ بوسنی، از او در

حالی فیلم‌برداری شد که شخصاً توسط رادوان کاراجیچ همراهی می‌شد و با یک مسلسل به سمت سارایوو تیراندازی می‌کرد. علاوه بر این، در سال ۲۰۰۷، جان جردن، تفنگدار دریایی سابق آمریکایی، در دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق شهادت داد که «تیراندازان توریست» به سارایوو آمده بودند. جردن به دادگاه گفت: «کاملاً واضح بود افرادی که توسط مردانی آشنا به منطقه هدایت می‌شدند، خودشان با آنجا کاملاً ناآشنا بودند. نوع لباس پوشیدن و سلاح‌هایی که حمل می‌کردند، مرا به این باور رساند که آن‌ها توریست‌هایی بودند که برای شلیک به غیرنظامیان با سلاح تک‌تیرانداز به منطقه می‌آمدند.»

▼ از شاکیان و انگیزه آن‌ها چه می‌دانیم؟

انتریو گاوآرنزی، نویسنده و روزنامه‌نگار، توضیح داد که اگرچه اولین بار در دهه ۱۹۹۰ گزارشی درباره «توریست‌های تک‌تیرانداز» در مطبوعات ایتالیا خوانده بود، اما تماشای مستند «سafari سارایوو» (محصول ۲۰۲۲ به کارگردانی میران زوپانیچ اسلونیایی) نقطه شروعی جدی برای او بود.

او در گفت‌وگو با نشریه گاردین گفت: «سafari سارایوو نقطه شروع بود. من مکاتباتی را با کارگردان آغاز کردم و از آنجا تحقیقاتم را تاجایی گسترش دادم که مدارک کافی برای ارائه به دادستان‌های میلان جمع‌آوری کردم.» او با تأکید بر اینکه «تعداد بسیار بسیار زیادی ایتالیایی» در این ماجرا دست داشته‌اند، افزود: «آلمانی‌ها، فرانسوی‌ها، انگلیسی‌ها... افرادی از تمام کشورهای غربی بودند که مبالغ هنگفتی پول پرداخت می‌کردند تا به آنجا برده شوند و به غیرنظامیان شلیک کنند.»

گاوآرنزی انگیزه این افراد را چنین توصیف کرد: «هیچ انگیزه سیاسی یا مذهبی در کار نبود. آن‌ها افراد ثروتمندی بودند که صرفاً برای تفریح و لذت شخصی به آنجا می‌رفتند. ما درباره افرادی صحبت می‌کنیم که شیفته اسلحه هستند، شاید به میدان‌های تیراندازی می‌روند یا در آفریقا به safari شکار می‌روند.»

دو حقوق‌دان برجسته، یعنی نیکولا بریجیدا و گیدو سالوینی نقش مهمی در کمک به گاوآرنزی برای طرح شکایت داشتند. نیکولا بریجیدا، وکیل با تجربه گسترده در پرونده‌های پیچیده بین‌المللی، از جمله پرونده ایتالیایی‌های مفقودشده در شیلی و آرژانتین، محاکمات اعضای خونتای نظامی آرژانتین و مقامات دوران دیکتاتوری پینوشه، و همچنین پرونده‌های مربوط به «عملیات کوندور» است.

صربستان هرگونه

دخالت در این

کشتارها را رد

کرده است، اما

بازرسان معتقدند که

سرویس‌های اطلاعاتی

این کشور از این

«سفرهای توریستی»

آگاه بوده‌اند. به

گزارش خبرگزاری

آنسا، بر اساس

شهادت سوباشیچ،

افسر اطلاعات نظامی

بوسنی که انتظار

می‌رود یکی از اولین

افراد احضار شده

توسط دادستانی باشد،

نحوه سازماندهی

این سفرها با شرکت

هواپیمایی آویوزنکس،

نشان می‌دهد که

«سرویس امنیت

دولتی صربستان پشت

همه اینها قرار داشته

است.»

بریجیدا با اشاره به تجربیات خود، از جمله پرونده «پروازهای مرگ»، اذعان کرد که اگرچه به سختی غافلگیر می‌شود، اما «این داستان تا حدی مرا غافلگیر کرده است.» او در گفت‌وگو با روزنامه «ال پاپیس» تأکید کرد: «ما مستندات و شواهد محکمی ارائه کرده‌ایم که تحقیقات بیشتر را ایجاد می‌کند... قویاً معتقدیم که این اقدام می‌تواند به شناسایی حداقل برخی از عاملان این جنایات هولناک منجر شود.» یکی از سرنخ‌های کلیدی که در بخش‌های قبلی گزارش به آن اشاره شد، شهادت ادین سوباشیچ، افسر اطلاعات نظامی بوسنی، درباره اطلاع‌رسانی به سرویس اطلاعات نظامی ایتالیا در سال ۱۹۹۴ است. یکی از درخواست‌های رسمی شاکیان از دادستانی میلان، دقیقاً بررسی این موضوع و پیگیری وجود احتمالی این مستندات در آرشیو سرویس اطلاعات نظامی است.

▼ پیش‌زمینه تاریخی و تبعات

جنگ بوسنی ریشه در فروپاشی جمهوری فدرال سوسیالیستی یوگسلاوی داشت؛ فرآیندی که با مرگ مارشال تیتو در سال ۱۹۸۰ آغاز شد و یک خلأ قدرت عمیق ایجاد کرد. این خلأ، هم‌زمان با بحران شدید اقتصادی در دهه ۱۹۸۰، به بستری برای رشد ناسیونالیسم قومی تهاجمی تبدیل شد. اسلوپودان میلوشویچ در صربستان، با مهندسی فعالانه ناسیونالیسم و احیای پروژه «صربستان بزرگ»، از این فرصت استفاده کرد. پس از اعلام استقلال اسلوونی و کرواسی در سال ۱۹۹۱ و آغاز جنگ در کرواسی، جمهوری بوسنی و هرزگوین، که از نظر قومی متنوع‌ترین جمهوری بود، تحت فشار قرار گرفت. جرقه مستقیم جنگ، الزام جامعه اروپا به برگزاری همه‌پرسی استقلال در فوریه و مارس ۱۹۹۲ بود. این همه‌پرسی توسط اکثریت قاطع صرب‌های بوسنی به رهبری رادوان کاراجیچ تحریر شد. این تحریر، یک مانور تاکتیکی بود، چراکه رهبری صرب‌های بوسنی پیش از آن در ژوئیه ۱۹۹۲، «جمهوری صرب‌های بوسنی» را اعلام کرده بود. اعلام رسمی استقلال بوسنی در پی همه‌پرسی، بهانه‌ای برای تهاجم نظامی از پیش برنامه‌ریزی شده نیروهای صرب (که از تسلیحات سنگین ارتش خلق یوگسلاوی بهره می‌بردند) و آغاز محاصره سارایوو در آوریل ۱۹۹۲ بود. این جنگ که خونین‌ترین مناقشه اروپا پس از جنگ جهانی دوم بود، تبعات انسانی، سیاسی و ژئوپلیتیک ویرانگری بر جای گذاشت. جنگ بوسنی، منجر به کشته شدن حدود ۱۰۰۰۰۰ نفر و آوارگی بیش از ۲ میلیون نفر (تقریباً نیمی از جمعیت کشور) شد. ماهیت جنگ، یک کارزار سیستماتیک «پاکسازی قومی» بود که به‌طور نامتقارنی غیرنظامیان بوسنیایی (مسلمان) را هدف قرار داد. لوج این جنایات، محاصره ۱۴۲۵ روزه سارایوو و نسل‌کشی سربریتسا در ژوئیه ۱۹۹۵ بود که در آن، بیش از ۸ هزار مرد و پسر بوسنیایی در یک «منطقه امن» اعلام‌شده توسط سازمان ملل، به طور سیستماتیک اعدام شدند. جنگ نهایتاً با مداخله نظامی قاطع ناتو (عملیات نیروی عمدی) در سال ۱۹۹۵ متوقف شد. توافق نامه صلح دیتون اگرچه به خونریزی پایان داد، اما یک پارادوکس سیاسی عمیق ایجاد کرد. این توافق، بوسنی را به عنوان یک کشور واحد حفظ کرد، اما ساختار داخلی آن را بر اساس دستاوردهای جنگی تقسیم نمود. ایجاد «جمهوری صربسکا» (شامل ۴۹ درصد قلمرو)، عملاً دستاوردهای ارضی حاصل از پاکسازی قومی و نسل‌کشی را قانونی کرد و یکی از ناکارآمدترین و پیچیده‌ترین ساختارهای حکومتی جهان را به وجود آورد. جنگ بوسنی، معماری امنیتی اروپا را تغییر داد و ناتو را از یک اتحاد دفاعی به یک نیروی مداخله‌گر فعال تبدیل کرد. بوسنی و هرزگوین عملاً به یک «تحت‌الحمايه» بین‌المللی تحت نظارت «دفتر نماینده عالی» (OHR) بدل شد. میراث پایدار جنگ، ایجاد یک «زخم التیام‌نیافته» و یک نقطه اشتغال دائمی ژئوپلیتیکی در بالکان است.

سیاستمداران



دیدار «ویتکاف» با «خلیل الحیه»

منابع مطلع اعلام کردند که فرستاده آمریکا قصد دارد به زودی دیداری با مقام ارشد حماس داشته باشد. به گفته دو مقام مطلع با برنامه‌های «استیو ویتکاف»، فرستاده آمریکا برای مأموریت‌های صلح، وی قصد دارد به زودی با «خلیل الحیه» مذاکره کننده ارشد حماس دیدار کند. به نوشته روزنامه نیویورک تایمز، دیدار بین ویتکاف و الحیه تأکیدی بر این مسئله است که دولت ترامپ علاقه‌مند به حفظ خط ارتباطی مستقیم با حماس است، حتی اگر این گروه در فهرست «سازمان‌های تروریستی خارجی» باشد. این دیدار برنامه‌ریزی شده همچنین نشان می‌دهد که منتقدان صهیونیست و آمریکایی که می‌گویند تعامل آمریکا با حماس به این گروه، مشروعیت بی‌اساس می‌دهد، ویتکاف را از چنین دیداری منصرف نمی‌کند. به گفته دو فرد مطلع که خواستند نامشان فاش نشود، هنوز تاریخ دقیق دیدار بین ویتکاف با الحیه مشخص نیست. همچنین ممکن است برنامه‌ها تغییر کند. یکی از این دو فرد مطلع نیز گفت یکی از موضوعاتی که ویتکاف قصد دارد با این مقام ارشد حماس مطرح کند، آتش‌بس در غزه است. در ماه اکتبر، رژیم صهیونیستی و حماس بر سر توافقی برای آتش‌بس در غزه و تبادل اسرای صهیونیستی با اسیران فلسطینی به توافق رسیدند. این توافق با وجود افزایش خشونت‌ها پابرجا مانده است. فرستاده ویژه آمریکا برای مأموریت‌های صلح و الحیه پیش از این نیز با هم ملاقات داشتند. اولین دیدار شناخته شده در شرم‌الشیخ مصر، در ماه اکتبر و قبل از امضای توافق آتش‌بس بود. در آن جلسه، «جارد کوشنر» داماد ترامپ که به میانجیگری آتش‌بس کمک کرد نیز حضور داشت. ویتکاف در مصاحبه‌ای که در ۱۹ اکتبر در برنامه «۶۰ دقیقه» شبکه خبری سی‌بی‌اس پخش شد، گفته بود که به الحیه به خاطر کشته شدن پسرش در حملات هوایی سپتامبر نیروهای اسرائیلی به قطر تسلیت گفته است. وی افزود: «به او گفتم که من یک پسر را از دست داده‌ام و هر دو شرایط واقعاً بدی را تجربه کردیم.» پسر ویتکاف، «اندرو» در سال ۲۰۱۱ بر اثر مصرف بیش از حد مواد مخدر درگذشت.



هشدار لهستان به اوکراین

نخست‌وزیر لهستان هشدار داد که گسترش رسوایی‌های فساد در اوکراین می‌تواند حفظ اجماع بین‌المللی برای تداوم حمایت از کی‌یف در جنگ با روسیه را دشوار کرده و به اعتبار دولت اوکراین لطمه بزند. «دونالد تاسک» نخست‌وزیر لهستان اعلام کرد که بروز رسوایی‌های تازه فساد در اوکراین می‌تواند حفظ اجماع و همبستگی با این کشور را دشوارتر کند. تاسک گفت که پیش‌تر به «ولودیمیر زلنسکی» رئیس‌جمهور اوکراین درباره لزوم حساسیت شدید حتی نسبت به کوچک‌ترین نشانه‌های فساد در اطرافش هشدار داده، زیرا این مسئله مستقیماً بر اعتبار او نیز تأثیر می‌گذارد. وی خاطرنشان کرد که نیروهای روسی و حامیان روسیه در اروپا به‌طور فعال در حال ترویج روایت‌هایی درباره «فساد گسترده در اوکراین مستقل» هستند. به گفته تاسک، در لهستان و چند کشور دیگر، خستگی مردم از جنگ و هزینه‌های آن روبه افزایش است و این امر حمایت از اوکراین را دشوارتر می‌سازد. نخست‌وزیر لهستان تأکید کرد که ورشو خواهان حفظ استقلال اوکراین و کارآمدی و پاک‌دستی دولت این کشور است. او گفت: «دفاع از اوکراین، در واقع دفاع از لهستان است. ما به حمایت از کی‌یف در برابر روسیه ادامه خواهیم داد.» تاسک در عین حال هشدار داد که در صورت تداوم رسوایی‌های فساد، متقاعد کردن سایر کشورها برای حفظ همبستگی با اوکراین دشوارتر خواهد شد.